

## جمهوریت در قانون اساسی و اندیشه شهید مزاری



□ سید علی مطهری هلمندی  
بنیاد اندیشه  
تأسیس ۱۳۹۴

### چکیده

این نوشته با بهره‌گیری از روش تحلیلی- توصیفی در تلاش است تا این پرسش را که «جمهوریت در قانون اساسی و اندیشه شهید مزاری چگونه بازتاب یافته است؟» پاسخ دهد. هدف از طرح این بحث؛ ضرورت حمایت از جمهوریت در مقابل امارت طالبانی است. یافته‌های این تحقیق که به صورت تطبیقی مطالعه شده است، نشان می‌دهد که در قانون اساسی احکام روشن برای جمهوری بودن نظام سیاسی افغانستان پیش‌بینی شده است. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های جمهوریت نیز در اندیشه شهید مزاری به خوبی انعکاس یافته است. قانون‌مداری، مشارکت سیاسی، انتخابات و مسئولیت‌پذیری به مثابه عمده‌ترین اصول «جمهوریت» تبیین و تحلیل شده است.

کلمات کلیدی: جمهوریت، قانون اساسی، شهید مزاری.

## مقدمه

در شرایط حال، برقراری صلح و ثبات؛ به عنوان مسئله اساسی و اولویت اصلی دولت و مردم افغانستان مطرح است. در متن این مسئله، شکل نظام سیاسی که جمهوریت باشد یا امارت؟ جدی ترین دغدغه و موضوع مبنایی برای طرف های صلح و مذاکره بوده و هست. در ذیل قالب حکومت کنونی که جمهوری است، قانون اساسی با تمام ارزش ها و اصول مندرج؛ چون حقوق زنان، آزادی های عمومی، حقوق شهروندی، قوای سه گانه، نظام اداری، نظام دفاعی و امنیتی، نظام عدلی و قضایی و دستاوردهای بیست ساله از سوی طرفداران نظام امارت و مخالفان جمهوریت، مورد تردید واقع شده و حتی خواهان لغو آن شده اند.

هرچند گفتگوهای صلح هنوز هم جهت روشن پیدا نکرده و نتیجه ملموس نداشته است؛ اما سناریوهای تغییر نظام سیاسی کشور از جمهوری اسلامی؛ به امارت اسلامی، نظام اسلامی، حکومت اسلامی و دیگر عناوین از این دست به صورت جدی مطرح است.

امسال، بیست و ششمین سال یاد شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری با چنین شرایط و موضوع سرنوشت ساز، یعنی «صلح» تقارن یافته و هم زمان شده است. از این جهت، خیلی مناسب است که «جمهوریت» و بازتاب آن در قانون اساسی و اندیشه شهید مزاری به صورت مقابسه و مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

بدون شک، دامنه بحث نظام جمهوریت به لحاظ تئوری و نظری، به وسعت نظام های جمهوری در جهان است و ادبیات این بحث گستره بسیار وسیعی را در حوزه فوق و سیاست، فلسفه و علوم اجتماعی در بر می گیرد که با فراز و فرودها و خم و پیچ های زیاد مواجه بوده است. از سوی صاحب نظران علوم سیاسی و حقوق دانان در مورد جمهوری و نظام مبتنی بر آن، سخن فراوان گفته شده است. فارغ از طرح مباحثی چون خاستگاه و بستر تاریخی، مبانی و مکانیزم ایجاد جمهوریت، اشکال و انواع جمهوریت، گونه های نظام جمهوری در کشورهای مختلف و دیگر مطالب مرتبط که خارج از مجال این نوشته است، تنها به مفهوم و ویژگی های

جمهوریت به هدف یافتن جلوه های آن در قانون اساسی و اندیشه شهید مزاری با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری معلومات به شیوه اسنادی و کتابخانه ای، به اختصار پرداخته می شود.

## الف. مفهوم جمهوریت

پیش از تبیین مفهوم جمهوری باید بدانیم که جمهوریت فقط بیان کننده شکل و صورت حکومت است نه محتوای آن؛ یعنی از جمهوری بودن یک رژیم نمی توان به محتوای آن پی برد و ملازمه بین جمهوریت و محتوای خاصی از حکومت وجود ندارد؛ به همین دلیل، می توان با شکل و قالب جمهوری، از حکومت های مختلف با محتواها و ماهیت های گوناگون بحث کرد. برخی می نویسند: جمهوری، بهترین صورت حکومت دموکراسی است، منتهی جمهوری بیان کننده صورت و قالب حکومت است و دموکراسی بیان کننده محتوای آن، در واقع حکومت جمهوری به حکومت فردی، استبدادی، موروثی و خاندانی خاتمه می دهد و قدرت را به مردم می سپارد، حسب موارد مدت زمامداری آن متفاوت است (آشوری، ۱۳۶۶: ۱۱۱)

برای واژه جمهوری یا جمهوریت، تعریف های متعدد نقل شده است. برخی معتقدند: «به رژیمی که در رأس قوه مجریه آن، فرد یا افراد انتخابی قرار گرفته باشد، اصطلاحاً رژیم جمهوری اطلاق می شود» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۴: ۲۴۲). در جای دیگر آمده است: «جمهوریت، به مفهوم سپردن حق حاکمیت، به جمهور مردم است که در تعیین نوع نهاد حاکمیت و سیر تداوم آن، نقش اصلی را ایفا می کند و در سه حیطه قانون گذاری، اجرا و قضاوت و دادرسی جلوه گر می شود.» (نوابی، ۱۳۸۰: ۱۵۵). در تعریف دیگر که نسبتاً جامع و مانع به نظر می رسد: جمهوری طرز حکومتی است که بر اساس دموکراسی یا غیر دموکراسی، مردم آن، حق حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خودشان را به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق زمامدارانی که با رضایت و رأی مستقیم یا غیر مستقیم آنان به گونه ای که توارث در آن دخالتی نداشته باشد تعیین و آنان، نیز اقتدارات معین قانونی خود را در یک مدت محدود و تحت

عمومی شهروندان است.

## ب. اصول و مؤلفه‌های جمهوریت

چنان‌که بیان شد، به‌باور برخی جمهوری بر بنیادهای سه‌گانه؛ چون اصل قانونیت، اصل آزادی و اصل برابری استوار است. بدین معنا که در نظام جمهوریت، تمام افراد کشور، به یک قانون واحد به‌عنوان اتباع تعلق دارند؛ تمام اعضای جامعه به‌عنوان انسان دارای حق آزادی و استفاده از آن هستند؛ تمام افراد در مقابل قانون به‌عنوان شهروند برابرند. در واقع جمهوریت مبتنی بر قانون، اراده مردم، خرد و آزادی‌های مدنی و حقوق بشر شکل می‌گیرد. عده‌ای دیگر، تحقق و عینیت یافتن جمهوریت را در ذیل اصول و بنیادهایی چون مشارکت، رقابت، تقدم رأی اکثریت بر اقلیت، نظارت و کنترل قدرت و مسئولیت، امکان‌پذیر می‌دانند. نظام‌های جمهوری، نظام‌هایی هستند که اصول پیش گفته را پذیرفته و به آن ملتزم باشند (جوان‌اراسته، ۱۳۸۵: ۹۸). هرچند از سوی صاحب‌نظران در حوزه حقوق و سیاست برای جمهوریت، ویژگی‌های زیاد برشمرده شده‌اند و هرکدام از آن‌ها می‌تواند معرفی‌کننده جمهوریت و اصول آن باشد؛ مانند اصل قانون‌مداری و حاکمیت قانون در جمهوریت، اصل مشارکت سیاسی مردم در نظام جمهوری، اصل برابری همه شهروندان در مقابل قانون، اصل آزادی اتباع در تعیین سرنوشت، اصل مسئولیت‌پذیری زمامداران و حاکمان در حکومت جمهوری، اصل حقوق شهروندی در جمهوریت، اصل رقابت سالم، اصل انتخابات، اصل تقدم رأی اکثریت بر اقلیت، اصل نظارت و کنترل بر قدرت، اصل محدودیت دوره حاکمیت حاکم، اصل موروثی نبودن حکومت و...؛ اما از میان همه این مؤلفه‌ها و محورهای چهار اصل، به‌عنوان مهم‌ترین و عمده‌ترین اصول و بنیاد نظام جمهوریت در قانون اساسی و اندیشه شهید مزاری به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظارت آنان اعمال می‌کنند (مقیم، ۱۳۸۵: ۶۴). گزاره‌ها و عناصری مطرح در تعاریفی که از جمهوری نقل شد را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱. انتخابی بودن رئیس حکومت از سوی مردم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم؛ ۲. محدود و موقت بودن مدت ریاست حکومت؛ ۳. موروثی نبودن ریاست حکومت؛ ۴. مسئول بودن رئیس جمهور نسبت به اعمال خود (ارسطا، ۱۳۷۹: ۲۸).

در اندیشه بسیاری از اندیشمندان، حکومت جمهوری با محوریت قانون شکل می‌گیرد و نسبت روشن با صلح پایدار دارد؛ آقای کانت معتقد است که «حکومت جمهوری» نوع حکومتی است که در آن قانون، محور زندگی انسان‌هاست. این نوع حکومت، صلح پایدار جهانی را تضمین می‌کند. ایجاد حکومت جمهوری بر اساس یک قانون اساسی، حاکی از این است که افراد به‌حکم عقل عملی خود، یک قرارداد اجتماعی را پذیرفته‌اند. این نظام تبلور اراده عمومی همگان است. بنیادهای سه‌گانه‌ای که جمهوری بر آن استوار است: اصل آزادی برای تمام اعضای جامعه به‌عنوان انسان؛ تعلق همه افراد به یک قانون واحد به‌عنوان اتباع؛ اصل برابری قانونی برای هر فرد به‌عنوان شهروند (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بر این اساس، در نظام جمهوری، مردم دارای ویژگی‌های سه‌گانه و مستقل‌اند؛ یعنی انسان بودن و برخورداری از آزادی؛ تبعه بودن و وابستگی به قانون؛ شهروند بودن و برابری در مقابل قانون. در نظام جمهوری کانتی، دموکراسی نمایندگی حاکم است و قوای سه‌گانه اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی از یکدیگر تفکیک می‌شوند. در صورتی کشورها می‌توانند به صلح پایدار دست یابند که نظام سیاسی آنان جمهوری باشد (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

بنابراین، جمهوریت یک نوع حکومتی است که در آن، قانون محور زندگی انسان‌هاست. مردم حق حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خودشان را با انتخاب آزاد حاکمان و مدیران بدون در نظر داشت توارث، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اعمال می‌کنند و رئیس جمهور و سایر زمامداران منتخب مسئولانه در مدت معین قانونی ایفای وظیفه می‌کنند. در حقیقت این قالب و ساختار از حکومت در پرتو قانون و مشارکت مردم ساخته می‌شود و این نظام تبلور اراده

## ج. بازتاب جمهوریت در قانون اساسی و اندیشه شهید مزاری

اولین ماده قانون اساسی افغانستان؛ به مسئله «جمهوریت» در کنار عنصر اسلامیت اختصاص یافته و چنین مقرر شده است: «افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیرقابل تجزیه می‌باشد.» این ماده دلالت واضح و صریح دارد که قالب حکومت و نظام سیاسی افغانستان جمهوریت است. در ماده ۱۴۹ این قانون، جمهوریت از خطوط قرمز و غیر قابل تعدیل شمرده شده است: «اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی‌شوند.»

تمام عناصر سازنده جمهوریت و جلوه‌های آن، چون انتخابات، مشارکت سیاسی مردم، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری، برابری و آزادی، حقوق شهروندی در قانون اساسی به صورت خوب انعکاس یافته است. چنان‌که شهید مزاری در شرایط خاص نظامی و سیاسی آن روز نیز از ضرورت همین ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها برای تشکیل حکومت سخن می‌گوید و بر حکومت مبتنی بر قانون، مشارکت مردم، برابری، آزادی و عدالت اجتماعی تأکید می‌کند.

### اصل قانون‌مداری

در بسیاری از نوشته‌ها و تحلیل‌ها از حکومت جمهوری، تعبیر به حکومت قانون شده است. پس در نظام جمهوریت؛ قانون‌مندی و حاکمیت قانون یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و اصول بنیادی جمهوریت به‌شمار می‌رود. برخی حاکمیت قانون را به لحاظ شکلی دارای دو جنبه می‌دانند؛ اول این‌که حکومت بر مردم باید به وسیله قانون صورت‌پذیرد و مردم از آن پیروی کنند. دوم این‌که قانون آن‌چنان باشد که مردم قادر به راهنمایی به وسیله آن باشند (رز، ۱۳۸۸: ۳۹۶). در واقع ساختار قدرت در نظام جمهوری مبتنی بر قانون ساماندهی و تنظیم می‌شود. اصل قانونیت در متن جمهوریت نهفته است. در تمام نظام‌های حقوقی نوشته و دولت‌های مدرن، وجود قانون اساسی یک ضرورت غیر قابل انکار قلمداد می‌شود و بر این اساس، اصل حاکمیت قانون در بسیاری از نظام‌های سیاسی از مؤلفه‌های اصلی حکومت‌های مدرن

محسوب می‌شود.

حکومت قانون، بر پنج اصل کلیدی و شاخص‌های محوری استوار است؛ نخست این‌که حکومت باید تحت لوای قانون نه خودسرانه باشد. هیچ مقام حکومتی مافوق قانون نیست و هراختیاری که داشته باشد، محدود به قانون است. دوم این‌که حکومت در برخورد با شهروندان، چه مجازات و چه اعمال دیگر برای برقراری نظم، باید محدود به قانون عمل کند. سوم این‌که هر ضابطه‌ای باید به شکل قانون درآید، اگر به شکل قانون نیست پس کسی هم اطاعت از آن را وظیفه خود نمی‌داند. قانون باید از تصویب گذارنده شده و به اطلاع همه برسد. چهارم این‌که برای اعمال قوانین اصولی حاکم است. پنجمین و مهم‌ترین اصل حکومت قانون، به خود مفهوم قانون برمی‌شمارد؛ معنای حکومت قانون این نیست که هر چیزی به صورت سلیقه‌ای یا نفع حاکمیت یا گروهی خاص به نام قانون مورد تصویب قرار گیرد، به اطلاع عموم برسد و اجرا شود (آلتمن، ۱۳۸۷: ۵۴-۶۰).

در یک برداشت دیگر در تعریف اصل حاکمیت قانون، مفاهیمی پیچیده و متکثر از ارزش‌های حقوقی درج شده است که در واقع ویژگی‌ها و مؤلفه‌های از جمهوریت را بازگو می‌کند: حاکمیت قانون، به معنای حکمرانی است که در آن همه افراد، نهادها و مؤسسات اعم از عمومی و خصوصی، از جمله خود دولت، در برابر قوانین پاسخگو هستند، قوانینی که منتشر شده‌اند و در اجرای آن‌ها، میان شهروندان تبعیضی اعمال نمی‌شود و دستگاه قضایی مستقل بر اساس آن‌ها قضاوت می‌کنند، با هنجارها و معیارهای حقوق بشر بین‌المللی سازگار هستند. حاکمیت قانون مستلزم انجام اقداماتی برای تضمین اصول برتری قانون، برابری در مقابل قانون، پاسخگویی در برابر قانون، انصاف در اعمال قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌گیری، قطعیت قانونی، جلوگیری از خودسرانگی و تصمیمات سلیقه‌ای و شفافیت قانونی و رویه‌ای است (شجاعیان، ۱۳۹۶: ۷۴).

بنابراین، در جمهوریت که حکومت مبتنی بر قانون است، هیچ نهاد و شخصی برتر از قانون نیست و همه به صورت یکسان و برابر و بدون تمایز تابع الزامات ناشی از قانون

۸۸). حکومت مبتنی بر قانون را عامل قطع جنگ و نزاع می‌داند و از قانون اساسی سخن می‌گوید که در آن، حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی اتباع به‌خوبی انعکاس یابد و قانون اساسی تدوین و تصویب شود که عامل وحدت و انسجام مردم باشد: «اگر حکومت قانونی به‌جود بیاید که حقوق تمام ملیت‌ها را در نظر بگیرد، جنگ تمام خواهد شد. اگر قانونی تدوین شود که حقوق ملی داخل کشور را تأمین و تضمین نکرده باشد، این قانون اساسی نیست. برای برادرها توصیه می‌کنم، قانونی نسازند که وحدت ملی را در خطر بیندازد» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

شهید مزاری در بدترین شرایط سیاسی و امنیتی آن روز که سایه جنگ، نزاع و خون‌ریزی بر تمام زندگی مردم به‌خصوص شهرکابل مستولی بود، از تشکیل حکومت مبتنی بر قانون و برگزاری انتخابات عادلانه حرف می‌زند و راه‌بیرون رفت از وضعیت شکننده آن روز را تنها در پرتو تشکیل حکومت فراگیر که مبنای آن قانون باشد، می‌داند: «خواستۀ ما یک انتخابات عادلانه و آزاد برای مردم افغانستان است که یک دولت قانونی بدو تبعیض از راه انتخابات به وجود آید.» (حیدریگی و فصیحی، ۱۳۹۷: ۲۱۳).

بنابراین، می‌توان گفت که قانونیت متن و جوهر جمهوریت است. برآیند جمهوریت، حکومت قانون و قاعده‌مندی رفتار اجتماعی و سیاسی است. از این باب در حکومت جمهوری حاکمیت قانون، اصل است. رعایت این اصل، موجب انکشاف متوازن، تأمین عدالت اجتماعی، تضمین مشارکت سیاسی، تحکیم وحدت ملی، رعایت حقوق شهروندی و برابری، نفی انحصارطلبی و تعیین‌کننده خط‌مشی برای کارایی و مؤثریت حکومت می‌شود.

### اصل مشارکت سیاسی

وقتی کلمه جمهور و جمهوری؛ به معنای توده مردم است، پس اصولاً حکومت جمهوری باید ترجمان حکومت توده مردم باشد. از همین رو، مشارکت مردم در حکومت جمهوری؛ به مثابه پایه و بنیاد برای جمهوریت مطرح است. از مشارکت به حضور مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی

هستند. بر این اساس، معیار اصلی در جامعه و نظم اجتماعی، قانون‌گرایی و برابری در برابر قانون است. قانون مبنای کار و فعالیت، معیار ارزیابی عملکردها و تصمیم‌های نهادها و رفتار شهروندان در جامعه است.

قانون اساسی، نیز بر قانون‌مداری و حاکمیت قانون و برابری همه شهروندان در برابر قانون صراحت دارد و مبنای برخورداری از حقوق، آزادی‌ها و مسئولیت‌ها را قانون می‌داند و بر ممنوعیت نابرابری در امتیازگیری تأکید می‌کند؛ چنان‌که در ماده بیست‌ودوم آمده است: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.» در مقدمه این قانون به ایجاد جامعه عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانون‌مندی تأکید شده است. در ماده پنجم، نیز تطبیق و تنفیذ قوانین و احکام آن از مکلفیت‌های اصلی دولت دانسته شده است: «تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و... از وظایف اساسی دولت می‌باشد.» در ماده پنجاه‌وششم با تأکید بر اصل حاکمیت قانون، شهروندان را به پیروی از اصل قانونیت مکلف ساخته و چنین تصریح می‌دارد: «پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه وجیبه تمام مردم افغانستان است. بی‌خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی‌شود.» مطابق ماده شصتم، رئیس دولت جمهوری در اعمال صلاحیت‌های خویش ملزم به رعایت قانون است: «رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت‌های خود را در عرصه‌های اجراییه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می‌کند.»

شهید مزاری، نیز با تأکید بر تشکیل حکومت مبتنی بر قانون، از ارزش‌های مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که باید در قانون اساسی آینده کشور درج شود، سخن می‌گوید: «ما خواستار یک حکومت اسلامی مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی در افغانستان هستیم که در آن حقوق همه مردم افغانستان به تناسب نفوس و میزان حضورشان در حیات سیاسی اجتماعی کشور تأمین شود.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۱۳۹۶).

جامعه معنا شده است (محرابی، ۱۳۸۷: ۵۷). مشارکت سیاسی در معانی ذیل به کار رفته است: به مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت اطلاق می‌شود (آقابخش و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۷۵). مشتمل بر فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۲ / مصفا، ۱۳۷۵: ۹) و به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی می‌باشد (علی‌خانی، ۱۳۷۷: ۶۱).

خمیرمایه جمهوریت، مشارکت ملت است. اعتقاد و باور به مشارکت مبتنی بر اعتقاد به حق حاکمیت ملت است که لازمه آن انبنای حکومت با همه ابعاد و گستره آن بر اراده و خواست مردم می‌باشد. مشارکت مردم به عنوان بنیادی‌ترین اصل جمهوریت با قبول اصل رقابت است (جوان‌آراسته، ۱۳۸۵: ۹۹). پس مشارکت سیاسی به معنای کوشش سازمان‌یافته مردم درباره حکومت، قدرت و سیاست است و مردم به حیث بازیگران اصلی در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست‌گذاری‌ها فعالانه حضور داشته و خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن، بیگانه احساس نمی‌کنند، بلکه در پیدایش و ایجاد مراکز قدرت، چگونگی اعمال قدرت، گزینش افرادی که اعمال حاکمیت و قدرت‌اند، تعیین ضوابطی که قدرت در چارچوب آن‌ها باید اعمال شود، مردم نقش اساسی را ایفا می‌کنند.

مطابق قانون اساسی «افغانستان واحد و یکپارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد» در ماده چهارم این قانون به مشارکت مردم در امور سیاسی و تعیین سرنوشت‌شان تصریح شده است: «حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند». مواد ۶۱، ۶۹ و ۸۱ به ترتیب به جایگاه سیاسی مردم و مشارکت آنان در مسائل کلان دلالت دارد؛ یعنی رئیس‌جمهور که در رأس حکومت جمهوری قرار دارد، با اراده

عمومی مردم انتخاب می‌شود. ایشان در برابر ملت مسئول و پاسخگو می‌باشد. شورای ملی تمثیل‌کننده اراده مردم هستند. بر اساس ماده ششم این سند، برابری در همه امور از جمله مشارکت سیاسی لازم است: «دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد.»

شهید مزاری نیز با تأکید بر مشارکت همه اقوام در تصمیم‌گیری سیاسی در حکومت، مبنای تشکیل حکومت را مشارکت و موافقت مردم می‌داند و حتی حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی را منوط به در نظر گرفتن تمام مجموعه‌ها می‌کند و چنین اظهار می‌دارد: «ما می‌خواهیم که کلیه ملیت‌های این سرزمین هویت سیاسی داشته باشند و با توافق و شرکت آن‌ها حکومت آینده سازمان‌دهی شود. ما مصمم هستیم که یک حکومت با شرکت همه اقوام به وجود بیاوریم. ما معتقد هستیم که هرکس روی تمامیت ارضی افغانستان و روی وحدت ملی افغانستان فکر می‌کند، باید با واقعیت‌های عینی جامعه برخورد کند و تمام جریان‌های سیاسی و اقوام و ملیت‌ها را در نظر بگیرد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۳۴۲). ایشان در جای دیگر عامل تمام جنجال‌ها و کشمکش‌ها را در نادیده گرفتن مردم و ملیت‌ها از حق مشارکت سیاسی‌شان می‌داند: «اگر اقوام ساکن در افغانستان هویت، شخصیت و حقوق همدیگر را نفی نکنند، دیگر مشکلی وجود ندارد. تمام جنجال‌ها و درگیری‌ها بر سر همین مسئله امتیاز طلبی و حذف همدیگر است» (جاوید، ۱۳۹۶: ۲۱۳). مشارکت سیاسی را به عنوان هدف مبارزاتی خویش یاد می‌کند: «ما عاشق قیافه هیچ‌کس نیستیم فقط می‌خواستیم مردم ما در تصمیم‌گیری سیاسی این کشور سهیم باشد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۱۷: ۷۴). از نظر شهید مزاری، از لازمه فکر کردن درباره کل افغانستان، قائل شدن حق مشارکت برای مردم در تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت‌شان است: «هرکس برای افغانستان فکر می‌کند، باید به مردم حق بدهد که خودش برای سرنوشتش تصمیم



بگیرد و خودش از خود نمایندگی کند. امیدواریم که به کمک خدا و یاری مردم، به آن حق واقعی مان برسیم.» (حیدریبگی و فصیحی، ۱۳۹۷: ۵۲).

بنابراین، حکومت و سیاست در یک کشور زمان مشروعیت و مقبولیت پیدا می‌کند که برخاسته از اراده آزاد شهروندان باشد و حکومت تمثیل‌کننده مشارکت تمام مجموعه‌ها به صورت برابر در ساختار آن باشد. مشارکت سیاسی کتله‌ها، احزاب، اقوام و ملیت‌های موجود در افغانستان در سیاست و حکومت، چنان‌که در قانون اساسی به آن پرداخته شده و شهید مزاری بر آن تأکید دارد؛ از جمله بنیادها و جلوه‌های اصلی جمهوریت به‌شمار می‌رود. در مقابل محرومیت‌سازی مردم و مجموعه‌ها از مشارکت سیاسی به معنای نفی جمهوریت و بی‌بنیاد ساختن آن در نظام سیاسی کشور است.

## اصل انتخابات

گفته شد که مردم در رژیم‌های جمهوری مبنای مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها به‌شمار می‌روند، در واقع حکومت از مردم سرچشمه می‌گیرد و حاکمان، نیز باید مورد پذیرش اکثریت مردم قرار گیرند تا حاکمیت وی مشروع تلقی و مورد حمایت مردم واقع شود. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های در نظام جمهوریت، اصل انتخابات است.

انتخابات، مکانیزمی است که تمام اقشار واجد شرایط رأی یک جامعه می‌توانند به وسیله آن در تعیین سرنوشت سیاسی خود و انتخاب مدیران و رهبران سیاسی جامعه شرکت کرده و خواست و نظر خود را در امور جمعی متبلور سازند. انتخابات؛ فرآیندی است که در جریان آن مردم رئیس جمهور، اعضای مجلس نمایندگان، رهبران احزاب سیاسی و دیگر نهادهای مُمثل اراده جمعی را انتخاب می‌کنند. انتخابات فرصتی را فراهم می‌آورد که مردم به‌طور آزادانه و بدون هراس و فشار، برای تعیین سرنوشت سیاسی خود رأی می‌دهند و رهبران سیاسی خود را انتخاب می‌کنند. انتخابات میدان تلاش و رقابت نامزدهای انتخاباتی برای کسب رأی مردم نیز گفته می‌شود که هر یک از این نامزدها، اعتبار و

شخصیت سیاسی - اجتماعی خود و مقبولیت برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی خود را در معرض قضاوت مردم قرار می‌دهند (دست‌نامه آموزشی انتخابات، ۱۳۹۲: ۵).

انتخابات، به‌مثابه سازوکار تعیین سرنوشت سیاسی در قانون اساسی، به بهترین وجه آن انعکاس یافته و به ملت صلاحیت و حق داده است که در تمام موارد مهمی مربوط به حاکمیت سیاسی، تصمیم بگیرند. به همین جهت، مواردی چون انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی، شوراهای ولایتی، ولسوالی، قریه، شاروال‌ها و مجالس شاروالی‌ها به‌عنوان مصادیق انتخابات در قانون اساسی تسجیل یافته و احصا شده که در آن‌ها اراده آزاد عمومی مردم در قالب مشارکت تجلی می‌یابند. هرچند تا هنوز به دلایل و ناگزیری‌هایی برای برخی از مصادیق، انتخابات برگزار نشده است.

طبق ماده شصت و یکم قانون اساسی: «رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رأی دهندگان از طریق رأی‌گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌شود. وظیفه رئیس جمهور در اول جواز سال پنجم بعد از انتخابات پایان می‌یابد.» براساس ماده هشتاد و سوم: «اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردند. دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می‌رسد و شورای جدید به کار آغاز می‌کند.» به منظور تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت، مطابق به ماده یک صد و سی و هشتم: «در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می‌شود. اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به‌حیث رئیس انتخاب می‌کند.» در ماده یکصد و چهلم از انتخابات شورای ولسوالی‌ها و قریه به‌عنوان مشارکت مردم در اداره محلی تأکید شده است: «برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی‌ها و قریه‌ها، مطابق به احکام قانون، شوراهای تشکیل می‌شوند. اعضای این شوراها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از

طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند.» بر اساس ماده یکصد و چهل و یکم برای مدیریت شهرها و ایجاد نظم شهری، شاروالی پیش‌بینی شده که شاروال‌ها و اعضای مجالس شاروالی‌ها بر اساس انتخابات برگزیده می‌شوند: «برای اداره امور شهری، شاروالی تشکیل می‌شود. شاروال و اعضای مجالس شاروالی، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌شوند. امور مربوط به شاروالی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردند.»

با عنایت به مراتب فوق، انتخاب رئیس جمهور در نظام جمهوری اسلامی افغانستان کاملاً منطبق با معیارهای یک حکومت جمهوری است؛ برای دوره محدود و معین به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود. همچنین انتخابی بودن اعضای نمایندگان مجلس و اعضای شوراها نیز در مطابقت با ویژگی‌های حکومت جمهوری قرار دارد. در واقع مردم نقش اساسی در تعیین رئیس حکومت، شکل‌گیری قوه مقننه، ایجاد شوراهای شهرها، ولسوالی‌ها، قریه‌ها، شاروال‌ها و مجالس شاروالی‌ها دارند.

شهید مزاری نیز از انتخابات به عنوان مکانیزم شکل دهنده نظام سیاسی و دولت مردمی سخن می‌گوید و بر ایجاد حکومت بر اساس انتخابات آزاد و حضور آزادانه مردم در پای صندوق رأی تأکید می‌کند، خروجی و نتیجه چنین وضعیت و انتخابات را نظام قانونی و مردمی می‌داند: «دولت مردمی وقتی به وجود می‌آید که انتخابات برگزار شود و این انتخابات آزاد باشد و مردم آزادانه رأی بدهند که در این صورت دولت پایه مردمی پیدا می‌کند و قانونی است.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۴۱:۲۹). همچنین راه‌حل نهایی بحران و مشکلات افغانستان را در حوزه قدرت و سیاست در برگزاری انتخابات به منظور زمینه و بستراعمال حق تعیین سرنوشت توسط مردم می‌داند: «ما تنها راه‌حل مسئله افغانستان را در انتخابات آزاد می‌دانیم.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۴۸ / غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۲۴۳). در اوج جنگ و شرایط دشوار و بحرانی آن روز، همچنان بر انتخابات عمومی تأکید می‌کند: «راه بیرون رفت از وضعیت انتخابات است که مردم رأی بدهند و آن هم به آن نحوی که حقوق همه اقوام و ملیت‌ها و احزاب در نظر گرفته شود.» (حیدر بیگی

فصیحی، ۱۳۹۷: ۲۴۱). انتخابات آزاد، سراسری و عمومی را جهت مشارکت همه شهروندان برای تعیین سرنوشت‌شان لازم می‌داند: «ما معتقدیم که انتخابات باید کاملاً آزاد باشد و همه مردم افغانستان بتوانند در آن شرکت کنند، ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می‌کنیم و طرفدار شرکت کلیه مردم افغانستان اعم از زن، مرد، پیر، جوان و... برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان هستیم.» (حیدر بیگی و فصیحی، ۱۳۹۷: ۴۱). همچنین نظام سیاسی مبتنی بر انتخابات را به مثابه مطالبه و خواسته مبارزاتی خویش مطرح می‌کند: «خواسته ما یک انتخابات عادلانه و آزاد برای مردم افغانستان است که یک دولت قانونی بدون تبعیض از راه انتخابات به وجود آید ملیت‌های مختلف در این کشور حضور دارند.» (حیدر بیگی و فصیحی، ۱۳۹۷: ۱۸)

با توجه به آنچه گفته شد، شهید مزاری در مناسبت‌ها و جاهای مختلف در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خویش بر اصل انتخابات، حکومت مبتنی بر انتخابات، انتخابات آزاد، عمومی، عادلانه و سراسری تأکید می‌کند و راه‌حل بحران افغانستان را در پرتو تشکیل حکومت برآمده از انتخاباتی می‌داند که در آن حضور همه شهروندان به صورت آزادانه و عادلانه تضمین شود. بدون شک، انتخابات مورد نظر شهید وحدت ملی، همان انتخاباتی است که یکی از اصول مهم جمهوریت محسوب می‌شود.

### اصل مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی

مسئولیت‌پذیری در قالب یک اصل مبنایی تأثیر زیادی در نظام اجتماعی دارد. این اصل می‌آموزد هر کس، در هر مرتبه‌ای که باشد، نسبت به تمام امور و کارهای خود و مربوط به خود مسئول و پاسخ‌گواست. هیچ کارگزاری حق ندارد به دلخواه خود با مردم رفتار کرده و خود را پاسخ‌گو نداند (گلستانی، ۱۳۸۳: ۵۳). در نظام جمهوری مسئولیت‌پذیری در کنار دیگر اصول بنیادی، از بایسته‌های حکومت جمهوری محسوب می‌شود و مبنای پاسخ‌گویی مسئولان و مدیران در عرصه‌های مالی، سیاسی، حقوقی و اداری می‌شود. چنان‌که گفته شده است: پذیرش و قبول جمهوریت و اصول مربوط به آن، لوازم



خاص خود را در پی خواهد داشت و در حقیقت التزام به هر چیزی، التزام به لوازم آن، نیز خواهد بود؛ از جمله اصل مسئولیت با ابعاد آن، یعنی مسئولیت مالی، مسئولیت حقوقی و مسئولیت سیاسی در مورد مقامات دولتی اجرا خواهد شد؛ امری که در بُعد مسئولیت سیاسی تا برکناری مقامات پیش خواهد رفت (جوان آراسته، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

بنابراین، در حکومت‌های جمهوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی یکی از شاخصه‌ها و ویژگی‌های مهم به‌شمار می‌رود. این ویژگی، نظام‌های جمهوری را از سایر نظام‌های سیاسی چون سلطنتی، اقتدارگرا، دیکتاتوری، امارتی و غیر جمهوری متمایز می‌سازد. در حکومتداری جمهوری که حاکمان آن توسط مردم برگزیده می‌شوند، مسئولیت‌مداری و پاسخ‌گو بودن، یک اصل است؛ زیرا جمهوریت بر محور قانون شکل می‌گیرد و در حقیقت حکومت قانون است. با مشارکت و حضور مردم مشروعیت و مقبولیت پیدا می‌کند و این مشارکت با مکانیزم به نام انتخابات عینیت یافته و جلوه‌گر می‌شود. نتیجه قانون‌مداری و حاکمیت قانون، مشارکت سیاسی مردم و انتخابات در سطوح مختلف، جز مسئولیت‌مندی و پاسخ‌گو بودن چیزی دیگر نمی‌تواند باشد.

در نظام جمهوری، حاکمان و مسئولان که در رده‌های مختلف از سوی مردم برگزیده می‌شوند و اعتماد انتخاب‌کنندگان را کسب می‌کنند، در قبال این اعتماد و تأیید ملت، مسئولیت و تعهد سیاسی، حقوقی، اداری و مالی متوجه‌شان می‌شود. از این رو، حکومت جمهوری، حکومت مسئول و پاسخ‌گو و حاکمان آن، مسئولان مسئولیت‌پذیر هستند. این نوع و رفتار مدیران آن، تحت نظارت و کنترل مردم قرار دارند و باید به شهروندان از عملکرد و کارکرد خویش گزارش ده و پاسخ‌گو باشند. اگر نظام سیاسی جمهوریت به مردم جوابگو نباشند، در این صورت، دولت‌های مستبد، دیکتاتور و فاسد خواهند شد.

بنابراین، در حکومت‌های جمهوری، مدیران و مسئولان، همانا خادمان و کارگزاران هستند که به نمایندگی از ملت امور سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را پیش می‌برند و با مدیریت مسئولانه ضمن تأمین امنیت و ثبات سیاسی،

خدمات اجتماعی و رفاهی را به مردم ارائه می‌کنند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، بالاترین مقام دولت جمهوری، یعنی رئیس‌جمهور همان طوری که با رأی و اعتماد مستقیم مردم انتخاب می‌شود و مطابق قانون اساسی از اختیارات و وظایف گسترده و متعددی برخوردار است، به همان پیمانانه در مقابل ملت و نمایندگان‌شان، نیز مسئول و پاسخ‌گومی باشد. در ماده شصت و نهم چنین مقرر شده است: «رئیس‌جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسئول می‌باشد.» از سوی دیگر، وزیران حکومت جمهوری که تحت ریاست رئیس‌جمهور ایفای وظیفه می‌کنند نیز از وظایف و عملکرد خویش در مقابل رئیس‌جمهور که برگزیده مردم است و نمایندگان‌شان در ولسی جرگه، مسئول بوده و پاسخ‌گومی باشند. در ماده هفتاد و هفتم چنین ذکر شده است: «... وزرا از وظایف مشخصه خود نزد رئیس‌جمهور و ولسی جرگه مسئولیت دارند.»

همچنین پیش‌بینی انحصار از وظیفه و عزل بالاترین مقام سیاسی کشور؛ یعنی رئیس‌جمهور در قانون اساسی گویای پذیرش اصل «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» در جمهوریت است. چنان‌که در فقره دوم ماده شصت و هفتم مقرر شده است: «اتهام علیه رئیس‌جمهور به ارتکاب جرائم ضدبشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث تأسیس‌کنندگان و اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می‌تواند. در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می‌کند. هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند، رئیس‌جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می‌شود.»

به‌طور کلی شهید مزاری در موارد زیادی درباره احساس مسئولیت در قبال سرنوشت مردم، مبارزه برای تحقق مطالبات و حقوق مردم، تشکیل حکومت فراگیر که در آن حقوق همه به صورت عادلانه تأمین شود، نکوهش معامله و خیانت به ملت سخن گفته است. حساسیت و دغدغه اصلی ایشان خدمت‌رسانی، وفاداری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی صادقانه مسئولان در قبال عملکردشان نسبت به مردم است.

اینک به برخی از این سخنان اشاره می‌شود:

ایشان خطاب به مردم مبنی بر این که بین خائن و خادم فرق بگذارید، می‌گوید: «... از شما تقاضا می‌کنم که بین خادم و خائن فرق بگذارید. کسانی بودند که به نام دفاع از شما، خیانت کردند، با دشمن شما ساختند، توافق کردند، ولی از شما دفاع هم نکردند. حالا هم جوسازی‌هایش را قبول نکنید. بین خادم و خائن تان فرق قائل شوید که چه کسی برای شما خدمت می‌کند و چه کسی خیانت؟» (حیدر بیگی و فصیحی، ۱۳۹۷: ۶۲). شهید مزاری با افتخار از تعهد وفاداری خود با مردم مبنی بر این که با حقوق شما معامله نمی‌کنم سخن می‌گوید: «بلی، من این افتخار را دارم و با این افتخار خود، به شما مردم تعهد کردم که حق شما را می‌خواهم و تعهد کردم که در رابطه با حقوق سیاسی و مذهبی شما مردم، هیچ وقت وارد معامله نشوم و خیانت نکنم» (حیدر بیگی و فصیحی، ۱۳۹۷: ۶۲). ایشان در جواب خبرنگار که سؤال می‌کند آیا شما مثل اکثر رهبران، از روزهای نخست، شوق چوکی دولتی را در سردارید؟ تأکید بر حقوق مردم می‌کند و می‌گوید: «تا حال برای خودم چوکی نخواستم، بعد از این هم نخواهم خواست؛ حتی نمی‌خواهم که رئیس جمهور باشم. ما فقط حقوق دیگران را می‌خواهیم که به آن‌ها داده شود. چوکی برای خودم مطرح نیست.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۲۱۴). چنان که در پاسخ به خبرنگار رادیو هلند که می‌پرسد: در صورتی که جنگ تمام شود، شخص شما چه وظیفه‌ای را انتخاب خواهید کرد؟ می‌گوید: «ما برای مردم خود در ترکیب دولت قانونی آینده، حقوق می‌خواهیم و باید مردم ما در آینده کشور در تصمیم‌گیری‌ها شریک باشند و برای شخص خود هیچ مقام و منصب را نمی‌خواهم» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۳۸۸).

شهید مزاری حتی از بین رفتن خصومت‌ها و به وجود آمدن فضای برادری بین شهروندان کشور را مبتنی بر مسئولیت‌پذیری همه می‌داند و تأکید می‌کند: «حالا هم برای این که خصومت‌ها از میان برداشته شوند و برادری در کشور حاکم گردد، همه و همه پیرو جوان، مسئول تنظیم و غیر تنظیم، همه مسئولیت دارند که برادری و اخوت را در بین ساکنین کشور برقرار کنند.» (حیدر بیگی و فصیحی، ۱۳۹۷:

۱۳۶). در جای دیگر از عدم احساسیت مسئولیت رهبران در قبال مردم سخن گفته و آن را نکوهش می‌کند: «مسئله دوم باز مربوط به رهبران است که این‌ها به هیچ وجه در قبال ملت و مردم احساس مسئولیت نمی‌کنند، در جلال آباد که جمع شده بودند به خاطر اصرار و اقدامات قوماندانان و خانواده‌های شهدا بود، الا آن‌ها یک ذره برای مردم افغانستان نه توجه دارند و نه به فکر آن‌ها هستند» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۱۷۱). «رهبران وظیفه دارند هر چه زودتر زمینه‌ای را فراهم آورند که مشکلات مردم پایان پذیرد» (غفاری، ۱۳۹۶: ۴۰۸).

## نتیجه‌گیری

قانون اساسی به عنوان سند تأسیس نظام، قانون مادر و میثاق ملی، به وجهی شایسته، نوع حکومت، یعنی جمهوریت را مورد توجه قرار داده است. در این خصوص می‌توان از قانون مداری در ساختار و اجرائات، مشارکت سیاسی مردم و حاکمیت ملی، مکانیزم انتخابات در انتخاب رئیس جمهور، نمایندگانی مجلس، اعضای شوراهای ولایتی، ولسوالی، قریه، شاروال و شارولی‌ها، در نهایت از مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مدیران حکومت به ملت و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی برای شهروندان از مهم‌ترین جلوه‌های جمهوریت نام برد که این اصول و شاخص‌های جمهوریت در اندیشه شهید مزاری، نیز به خوبی انعکاس یافته است.

## منابع

### الف. کتاب‌ها

۱. آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی). تهران: انتشارات مروارید.
۲. آقابخشی، علی اکبر و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
۳. علی‌خانی، علی اکبر (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی، تهران: سفیر.
۴. قاضی شریعت‌پناه، ابوالفضل (۱۳۸۴)، بایسته‌های

- حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
۵. محرابی، علی‌رضا (۱۳۸۷)، بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۶. مصفا، نسرین (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
۷. مقیمی، غلام‌حسن (۱۳۸۵)، مشروطیت، جمهوریت، اسلامیت، تهران: نشر معناگرا.
- ب. مجلات و مقالات**
۱. ارسطا، محمدجواد (۱۳۷۹)، جمهوریت و اسلامیت، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۸.
۲. آلتمن، آندرو (۱۳۷۸)، حکومت قانون چیست؟ ترجمه سعید پزشکی مرندی، مجله حقوق، شماره ۱۳-۱۴.
۳. جوان‌آراسته، حسین (۱۳۸۵)، جمهوریت و اسلامیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله حکومت اسلامی، سال یازدهم شماره اول.
۴. رز، جوزف (۱۳۸۸)، در باب حاکمیت قانون و فضیلت آن، ترجمه لیلی منفرد، حقوق اساسی، سال ششم، شماره.
۵. سرآمد، محمدحسین و دیگران (۱۳۹۲)، دست‌نامه آموزشی انتخابات، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان / پایگاه اینترنتی: [www.cshrm.af](http://www.cshrm.af)
۶. شجاعیان، خدیجه (۱۳۹۶)، مؤلفه‌های اصل حاکمیت قانون در پرتو تعریف سازمان ملل متحد، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره سوم.
۷. گلستانی، غلام‌نبی (۱۳۸۳)، ویژگی حکومت پاسخ‌گو در سیمای مدیریت علوی، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال دهم، ش ۴۹ و ۵۰.
۸. محمودی، سیدعلی (۱۳۸۵)، صلح پایدار کانت و بازتاب آن در جهان امروز، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۰.
۹. میرمحمدی، معصومه سادات (۱۳۹۰)، مقایسه صلح پایدار در اندیشه انسان محور کانت و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی، مجله معرفت ادیان، سال دوم، شماره چهارم.
۱۰. نوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، اصلاح‌طلبی در بستر اسلامیت و جمهوریت، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۲۸.